

وقت آن است که از پشت زره بار کنید!

مسئول ابراهیمزاده

مه‌آلود کردن فضای سیاسی - اجتماعی جامعه برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، از طرفدای همیشه استکبار جهانی و عوامل داخلی آنان است. آن‌ها به خوبی از این نکته آگاهند که دستیابی اصول‌گرایان به مدیریت اجرایی کشور و ظهور قابلیت‌های خدمت‌رسانی آنان، در وهله نخست، مردم، سپس منطقه و جهان اسلام را متوجه شعاع نورانی خورشید تمدن اسلامی در مقیاس‌های وسیعی خواهد کرد، از این رو غرب و مروجان غرب‌باوری را به القاء و ترویج شبهه‌ای وادار ساخته که نشانه ترس جهان از نهادینه شدن معادله‌ی در سیاست داخلی ایران است که چون دیگر تحلیل‌های آنان در معادلات‌شان نمی‌گنجد؛ معادله‌ای متشکل از فضایی حوزه و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و نیروهای حزب‌اللهی و بسیجی - از هر قشر و صنفی - که انقلاب را در اوان نوجوانی، جنگ را در دوران جوانی و جریان‌های گوناگون را در مقاطع مختلف انقلاب تجربه کرده و مدعیان دروغین هواداری اسلام و انقلاب را از جان برکفان امام و رهبری به خوبی باز شناخته و فریادگر تفکری شده‌اند که در آن، آرمان‌های امام و رهبری و شهدای انقلاب، قله‌ای است که باید به هر قیمت مشروع و در چارچوب قانون نظام اسلامی به سوی آن شتافت.

پیروزی‌های چشمگیر و بسیجی‌وار این معادله در عرصه‌ها و حوزه‌های گوناگون علمی، تربیتی و بین‌المللی به قدری است که فقط در دعوت جوانان به میعادگاه شهیدان، در کم‌تر از هشت سال توانستند تعداد زائران کربلای خمینی را از پنجاه هزار نفر به سه میلیون نفر در سال برسانند. ظهور و حضور این معادله در عرصه‌ها و حوزه‌های گوناگون و اتحاد و همدلی آنان در بعد از دوم خرداد ۷۶، نگاه‌فرداین رهبر

انقلاب را معنا و عینیت بخشید و به واسطه این نگاه بود که وقتی همه تحلیل‌گران خارجی و برخی تحلیل‌گران داخلی در دوم خرداد ۷۶ همه چیز را پایان یافته تلقی کردند، مولا و مقتدایشان دوم خرداد را به فال نیک گرفت. معادله مذکور که پس از خرداد ۷۶ شکل گرفت، در اثر شدت هجوم ناجوانمردانه رسانه‌های خارجی و عوامل داخلی آن مجبور به پوشیدن زره از پشت شد تا در خانه‌ای به نام ایران از دشنه مدعیان دروغین ایرانیست و جمهوریت در امان بماند.

این معادله، امروز خاری در چشم دشمنان اسلام و انقلاب و شهدی در کام مؤمنان و وطن‌پرستان واقعی است. در نگاه استکبار جهانی و ایادی داخلی‌اش، باید به هر قیمتی مهار شود و مهار آن در گام نخست، جلوگیری از پیروزی آنان در انتخابات نهم و در دست گرفتن مدیریت اجرایی کشور است. القاء شبهه‌ای دو وجهی از سوی اصلاح‌طلبان آمریکایی در داخل و رسانه‌های استکباری در خارج یکی از اپیزودهای سناریوی مهار معادله‌ای به نام «اصول‌گرایی» است. وجه نخست شبهه با «نگاه بیرون به داخل» که بیش‌تر از سوی رسانه‌های استکباری و شبکه‌های تلویزیونی وابسته تبلیغ می‌شود، این است که در صورت پیروزی اصول‌گرایان، کشورها و نهادهای بین‌المللی - به ویژه سازمان‌های حقوق بشر - و حتی کشورهای همسایه حاضر به تعامل سیاسی با جمهوری اسلامی نیستند و ایران به جزیره‌ای دورافتاده از جهان تمدن و پیشرفت، و رانده شده از خانواده جهانی تبدیل خواهد شد، که بی‌شک به درازا کشاندن گفت‌وگوی ایران با سه کشور اروپایی درباره مسائل هسته‌ای هم به همین نکته باز می‌گردد. وجه دوم شبهه که بیش‌تر از سوی اصلاح‌طلبان

►► تأکید گروهی از نمایندگان مجلس ششم و برخی از دولت‌مردان دولت اصلاحات در نشست‌های مخفیانه و آشکار با محافل به اصطلاح مدافع حقوق بشر در داخل و خارج بر این نکته که تفکر اصول‌گرایان ایران همان تفکر طالبانی است، حرکتی بس ناجوانمردانه و نفرت‌انگیز است که هرگز از حافظه تاریخی ایرانیان زوده نمی‌شود.

آمریکایی در سخنرانی‌ها و گفت و شنودهای مطبوعاتی به چشم می‌خورد و به عبارتی دیگر «نگاه‌داخل به بیرون» را منعکس و مانند رسانه‌های استکباری همیشه پیام تسلیم و دم‌جنباندن در برابر اربابان خود را ارسال می‌کند. درصده‌لقای این نکته است که اصول‌گرایان، توان تعامل با جهان را ندارند؛ زیرا با الفبای دیپلماسی جهان و زبان تعاملات بین‌المللی آشنا نیستند و در اوضاع حساس و بحران‌های جهانی به جای مدیریت بحران و استفاده از گفت‌وگو و ساز و کارهای دیپلماسی، به مدیریت جنگ و برخورد تمدن‌ها تغییر موضع می‌دهند و ایران را به سوی جنگی ناخواسته! و برخورد فیزیکی با غرب سوق خواهند داد.

ریشه چنین فریب بزرگی از سوی استکبار و آبادی داخلی آن، قرائت دروغین آنان از «اصول‌گرایی» و نیز چهره‌ای است که از پیروان امام و رهبری در بین مردم و جهانیان ارائه می‌کنند؛ آن‌ها در تحریف آشکار از ماهیت و تعریف اصول‌گرایی، این حرکت پویا و زنده اسلام اصیل را - که با تکیه بر مبانی تفکر شیعی و عقب‌نشینی نکردن از مواضع حق‌طلبانه، توان تعامل فرهنگی، اقتصادی با جهان و حتی همبستگی نظامی با کشورهای مسلمان را دارد - مترادف با حرکت‌های جزم‌اندیش و تحجرگرای طالبانی و حتی حرکت‌هایی از نوع حرکت‌های دگماتیسم افرادی چون عباس مدنی و علی بلحاج در الجزیر، و سایر کشورها دیگر قلمداد می‌کنند و چنین درازدهان عمومی جهان و مردم ایران وانمود می‌کنند که

سرخپو از این راه و راه دیگر استکباری



سیاست‌ها و راهبردهای اصول‌گرایان در تعاملات داخلی و خارجی، چیزی جز سیاست‌ها و راهبردهای طالبان و... نیست و این راهبرد پیامدی جز رویارویی نظام با جهان نخواهد داشت. تأکید گروهی از نمایندگان مجلس ششم و برخی از دولت‌مردان دولت اصلاحات در رایزنی‌ها و نشست‌های مخفیانه و آشکار با محافظ و مراکز به اصطلاح مدافع حقوق بشر در داخل و خارج بر این نکته که تفکر اصول‌گرایان ایران همان تفکر طالبانی، و تفکر اصلاح‌طلبان همان ایده‌های جهانی و تفکر لیبرال دمکراسی غرب است و غرب و جهان باید به کمک همه امکانات تبلیغی و فشارهای گوناگون از اصلاح‌طلبان دفاع کنند و مانع به قدرت رسیدن اصول‌گرایان شوند، در چنین ذهنیت سازی نقش محوری داشته است. حرکتی پس ناجوانمردانه و نفرت‌انگیز که هرگز از حافظه تاریخی ایرانیان زدوده نمی‌شود.

شکی نیست در پس این ابهام‌آفرینی و شبهه‌افکنی توسط رسانه‌های خارجی و عوامل داخلی آنان در تشویش اذهان عمومی جهان و مردم این مرز و بوم، هدفی جز ایجاد موانع جدی در به قدرت رسیدن اصول‌گرایان و در نهایت به تسلیم کشاندن نظام وجود ندارد. در این میان ارائه تعریفی جامع از اصول‌گرایی، موضع‌گیری شفاف و بیان معیارهای راهبردی خود در مسائل خارجی و تعاملات بین‌المللی در هنگام انتخابات می‌تواند کمک شایانی در زدودن ذهنیت غلط از چهره و راهبرد اصول‌گرایان در داخل و خارج نماید. ارائه چنین تعریفی که همان تعریف امام راحل (ره) و رهبر انقلاب از اصول‌گرایی است، نه تنها تبلیغات مسموم عنصری را خنثی می‌سازد که آگاهانه و یا ناآگاهانه، حرکت زنده و پویای نیروهای کارآمد و متکی بر فقه پویای امام (قدس سره) و رهبری را به‌بسترسازی برای انزوای ایران در مجامع بین‌المللی متهم می‌کنند، بلکه ضمن رفع تشویش خاطر جامعه بار دیگر مردم را با دلی مطمئن به سوی صندوق‌های رای به نفع آنان خواهد کشاند. باید به ملت گفت که تجربه سال‌های پس از انقلاب و گذر نظام مقدس اسلامی از گذرگاه‌هایی به مراتب سخت‌تر از امروز، به خوبی گویای این واقعیت است که مدیریت انقلابی، بسیجی و جهادی به‌مراتب از مدیریت ضعیف، انعطاف‌پذیر و گاه ترسو و معامله‌گر کارآمدتر است. مدیریت معامله‌گر، دشمن را به حمله نظامی تحریک می‌کند، همچنان که افزایش تهدیدهای نظامی دشمن در چند سال اخیر، حاصل همین نگاه در برخی دولت‌مردان به سیاست خارجی بوده است. شهادت مظلومانه دیپلمات‌های ایرانی در افغانستان، کشته شدن یک ایرانی توسط پلیس کانادا، نادیده گرفتن سهم کشورمان در تقسیم دریای خزر، گزرتی‌های آمریکا و حتی کشورهای جنوب خلیج فارس، و امتیازخواهی و طولانی شدن بازی مذاکرات هسته‌ای با کشورهای اروپایی به خوبی پرده از این واقعیت برداشت که مدیریت منفعل، بیش از مدیریت اصول‌گرا دشمن را به حمله و سهم‌خواهی ترغیب می‌کند؛ افزون بر این که در مدیریت اصول‌گرایان، راه بر نفوذ ستون پنجم در بدنه نظام و مراکز تصمیم‌گیری، نظامی و امنیتی، کاملاً بسته و دشمن در شناسایی نقاط ضعف و یا تاکتیک نظام در برخورد با بحران‌ها، کور، ناکام و ناامید می‌شود و دولت‌مردان با خیال آسوده ابتکار عمل را در صحنه‌های نبرد اقتصادی، سیاسی و نظامی به دست می‌گیرند.

کوتاه سخن این که اصول‌گرایان باید برای رهایی از فشار سنگین تبلیغات مسموم داخلی و خارجی و حرکت‌های همسو با آن، در کنار تبیین برنامه‌های کاری خود در مسائل داخلی و سیاست‌های جهانی، استراتژی خویش را در اختیار رسانه‌ها قرار دهند و به این شبهه‌ها اوضاع خارجی در عرصه بین‌المللی، مهیای حضور «اصول‌گرایان» در دستگاه اجرایی کشور نیست، پایان دهند. بی‌شک، کم‌ترین دستاورد پیروزی اصول‌گرایان در انتخابات و شکست اصلاح‌طلبان آمریکایی، باز شدن زره از پشت مؤمنان و انقلابیون و یاران امام و رهبری است.

►► در مدیریت اصول‌گرایان، راه بر نفوذ ستون پنجم در بدنه نظام و مراکز تصمیم‌گیری، نظامی و امنیتی، کاملاً بسته و دشمن در شناسایی نقاط ضعف و یا تاکتیک نظام در برخورد با بحران‌ها، کور، ناکام و ناامید می‌شود و دولت‌مردان با خیال آسوده ابتکار عمل را در صحنه‌های نبرد اقتصادی، سیاسی و نظامی به دست می‌گیرند.

►► بی‌شک، کم‌ترین دستاورد پیروزی اصول‌گرایان در انتخابات و شکست اصلاح‌طلبان آمریکایی، باز شدن زره از پشت مؤمنان و انقلابیون و یاران امام و رهبری است.